


پرخاشگری و رفتار ضد اجتماعی در نوجوانان: ارزیابی نظریه پالایش پرخاشگری*

Aggression and Anti-Social Behavioral in Adolescents: An Appraisal
of Catharsis of Aggression Theory*

Ebrahim Masoudnia,  Ph.D.

دکتر ابراهیم مسعودنیا^۱


Abstract

One of the theories associated with anti-social behaviours to discharging of aggression and energy is Catharsis of Aggression Theory (CAT). The aim of this study was to appraise the validity of CAT in explanation of adolescents' participation in anti-social behaviours. The research was performed with causal-comparative method. Data were collected from 70 adolescents in two groups: Delinquent adolescents with anti-social behaviours (35) and adolescents with pro-social behaviours (35). The Buss and Perry Aggression Scale (BPAS) was used to evaluate aggression among the subjects. Significant differences were found between the adolescents with anti-social behaviours and pro-social behaviours regarding the aggression specially in terms of the components of aggression: anger and verbal aggression. The mean scores for the adolescents with pro-social behaviours on

چکیده

مطالعه حاضر باهدف ارزیابی اعتبار و توانایی نظریه پالایش پرخاشگری در تبیین علل و پیش‌بینی مشارکت افراد در رفتارها و فعالیتهای ضد اجتماعی صورت گرفت. تحقیق حاضر در قالب یک طرح پس رویدادی انجام شد. داده‌های این مطالعه از ۳۵ نفر از نوجوانان با رفتارهای ضد اجتماعی که در کانون اصلاح و تربیت یزد بسر می‌بردند و تمام شماری شدند و ۳۵ نفر از نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی که با روش نمونه‌گیری دردسترس متناسب با حجم جامعه اول و بمنظور مقایسه انتخاب شده بودند جمع آوری شدند. این پاسخگویان، سپس به مقیاس پرخاشگری باس و پری (BPAS) پاسخ دادند. تفاوت معناداری بین نوجوانان با رفتار ضد اجتماعی و نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی از نظر پرخاشگری بطور کلی و مؤلفه‌های خشم و پرخاشگری کلامی مشاهده شد. میانگین نمره افراد با رفتار موافق اجتماعی بر روی مقیاس پرخاشگری و خرده مقیاسهای خشم و پرخاشگری کلامی از

* Medical Sociology, Yazd University, Yazd, J.R.Iran

 masoudnia@yazdu.ac.ir

• دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۶/۲۶، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۲/۲۲

BPAS was higher than the adolescents with anti-social behaviours. Multiple logistic regression analysis showed that the aggression and control variables explained for 76.4% of the variance in the adolescents' participation in anti- or pro-social behaviours. The present study disapproved the basic hypothesis of CAT about the adolescents' participation in anti-social behaviours as a mechanism to discharging of aggression and energy. If Catharsis of Aggression Theory was true, then the adolescents with anti-social behaviours must be more aggressive than the adolescents with pro-social behaviours. Our findings confirmed the opposite effect. The results of the present study showed that the adolescents with pro-social behaviours were more aggressive than those with anti-social behaviours.

Keywords: anti-social behaviour, aggression, catharsis theory.

افراد با رفتارهای ضداجتماعی بالاتر بود. تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه نیز نشان داد که در حالیکه متغیرهای کنترل ۴/۷۰ درصد واریانس مشارکت در رفتار ضداجتماعی و موافق اجتماعی را تبیین نموده‌اند و ورود مؤلفه‌های سازه پرخاشگری تنها ۶ درصد از تبیین واریانس متغیر ملاک را بهبود بخشید. پژوهش حاضر فرضیه‌های اساسی نظریه پالایش را درباره مشارکت افراد در فعالیتهای ضداجتماعی به عنوان مکانیسمی برای تخلیه پرخاشگری و انرژی تأیید نکرده است. اگر فرضیه پالایش درست بود در این صورت می‌بایست نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی پرخاشگرتر از نوجوانان عادی باشند در حالیکه نتایج مطالعه حاضر، خلاف این فرضیه را نشان داد. یعنی نوجوانان عادی در کل پرخاشگرتر از نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی بودند.

کلید واژه‌ها: رفتار ضداجتماعی، پرخاشگری، نظریه پالایش.



● مقدمه

رفتار ضداجتماعی به شیوه‌های مختلفی می‌تواند تعریف شود: این رفتار می‌تواند براساس تشخیص‌های روانپزشکی برای مثال «اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای»^۱، «اختلال سلوک»^۲ یا «اختلال رفتار اخلاک‌گر»^۳ (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴)، یا براساس نقض هنجارهای اجتماعی و قانونی (نظیر بزهکاری و تبهکاری) و یا رفتار پرخاشگرانه (پلومین، نیتز و راو، ۱۹۹۰) تعریف شود. براین اساس، وست و فارینگتون (۱۹۷۷)، رفتارهای ضداجتماعی را شامل «جرائم مرتبط با خیانت» (دزدی و کلاهبرداری)، «جرائم پرخاشگرانه» (تجاوز، سرقت و رفتار تهدیدآمیز)، خسارت به اموال، تجاوز جنسی، جرائم مربوط به مواد و سایر اشکال (برای مثال، برهم زدن آرامش) تعریف نموده‌اند. معیار تشخیص این رفتارها در اکثر مطالعات، مدارک و اسناد قانونی و پلیس بوده است (دپتولا و کوهن، ۲۰۰۴).

اتیولوژی رفتارهای ضداجتماعی بسیار پیچیده است. نظریه‌های مختلف در روانشناسی هر

کدام با تأکید بر مفاهیم خاص، به تبیین علل این رفتارها پرداخته‌اند. این نظریه‌ها پیوستار کاملی از مکاتب روانشناختی را در برمی‌گیرند. برای مثال نظریه ناکامی - پرخاشگری (دولارد و همکاران، ۱۹۳۹)؛ نظریه روان تحلیل یا فرویدی؛ نظریه پالایش پرخاشگری (لورنز، ۱۹۶۶)؛ نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا (بندورا، ۱۹۷۳). برخی از نظریه‌ها نیز بر متغیرهای مختلفی نظیر شخصیت نوع الف، بوم پویایی، حرمت خود، جاذبه درونی و غیره (بامیستر و کمپبل، ۱۹۹۹) در تبیین رفتارهای ضد اجتماعی تأکید داشتند. در این میان، برخی از نظریه‌ها نیز رفتار ضد اجتماعی را به پرخاشگری مربوط دانسته‌اند. «پرخاشگری» بنا بر تعریف، عبارت از هر شکلی از رفتار است که با هدف صدمه زدن یا آسیب رساندن به موجود زنده دیگر انجام می‌شود (بارون و ریچاردسون، ۱۹۹۴). رفتار پرخاشگرانه ممکن است کلامی یا فیزیکی باشد. این رفتار بیشتر باید متوجه شخص دیگر باشد تا اشیاء غیر جاندار (ماکسول، ۲۰۰۴). قدیمی‌ترین نظریه که مشارکت در رفتار ضد اجتماعی را مکانیسمی برای تخلیه هیجانی و انرژی دانسته که با پرخاشگری همراه است، «نظریه پالایش» است. ریشه این نظریه به آثار ارسطو برمی‌گردد. وی بر این باور بود که مشاهده بازیهای تراژیک باعث می‌شود که مردم به پالایش هیجانی ناشی از احساسات ترحم و ترس بپردازند (بوشمن، بامیستر و استاک، ۱۹۹۹). ایده پالایش سپس توسط زنگموند فروید مورد بازبینی قرار گرفت (ویگمن، ۱۹۸۵). وی در سال ۱۸۹۵ برای نخستین بار نظریه پالایش خود را به عنوان اولین سند روان درمانگری غرب، یعنی مطالعات درباره «هیستری»^۱ و فوبی‌ها تبیین نمود. به باور او هیجانات سرکوب شده می‌توانند در فرد انباشته شوند و باعث بروز علائم روانی نظیر هیستری و فوبی‌ها گردند. در واقع عقیده فروید درباره پالایش هیجانی، پایه «الگوی هیدرولیک خشم»^۲ راشکل داد (گین و کوآنتی، ۱۹۷۷). بر مبنای این الگو، ناکامی به خشم و پرخاشگری منجر می‌شوند و خشم و پرخاشگری نیز به نوبه خود در درون فرد به مانند فشار هیدرولیکی در یک محیط بسته متراکم شده تا آنکه با برخی شیوه‌ها تخلیه و آزاد شود. اگر افراد به خشم خود اجازه تخلیه ندهند و آنرا در درون خود بریزند در نهایت این عمل باعث می‌شود تا با خشم پرخاشگرانه منفجر شوند (بوشمن، ۲۰۰۲). نظریه‌های نوین پالایش مبتنی بر الگوی هیدرولیک خشم هستند. مبنای اساسی این نظریه‌ها اینست که بهتر است اجازه دهیم تا پرخاشگری و خشم حتی از طریق رفتار ضد اجتماعی تخلیه شود و مشارکت در اعمال ضد اجتماعی شیوه‌ای مؤثر برای تخلیه انرژی و احساسات پرخاشگرانه است (بوشمن، ۲۰۰۲)؛ دلیل و دلیل، ۱۹۹۸).

پژوهشهای تجربی درباره رفتار ضد اجتماعی که در راستای نظریه پالایش انجام شدند بسیار

متناقض هستند. دسته اول پژوهشها تأثیر پرخاشگری بر مشارکت افراد در فعالیتهای ضد اجتماعی را تأیید کرده‌اند. کهلبرگ، ریکس و اسناری (۱۹۸۴) نشان دادند که پرخاشگری نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده رفتار ضد اجتماعی در دوره نوجوانی و بزرگسالی است. برخی از پژوهش‌ها نشان دادند که ۴۰ تا ۷۵ درصد از جوانانی که بخاطر اعمال بزهکارانه دستگیر شده بودند، مطابق با معیارهای روان‌پزشکی، پرخاشگر تشخیص داده شده بودند (هارینگتون و همکاران، ۱۹۹۱؛ مک کورد، ۱۹۹۱). محققان نشان دادند که رفتار ضد اجتماعی بعد از اعمال پرخاشگرانه صورت می‌گیرد (فارینگتون و همکاران، ۱۹۹۰)، رفتار ضد اجتماعی بعدی راپیش‌بینی می‌کند (لابر و دیشن، ۱۹۸۳). رابطه بین پرخاشگری در سن مدرسه و مشارکت در گروههای همسالان کجرو، رفتار ضد اجتماعی و سوء استفاده از مواد در نوجوانی نیز نشان داده شده است (رابین و همکاران، ۱۹۹۵). از نظر محققان رابطه بین پرخاشگری اولیه و رفتار ضد اجتماعی بعدی، در مورد پسران پیش‌بینی‌کننده قویتری است (راف و ویرت، ۱۹۸۴). برخی شواهد درباره پسران آمریکایی آفریقایی تبار نشان می‌دهد که ترکیب پرخاشگری و طرد اجتماعی، بیشتر انواع شدید رفتارهای ضد اجتماعی را پیش‌بینی می‌کردند (میلر - جانسون و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین محققان نشان دادند که پرخاشگری در دوره طفولیت، رفتارهای ضد اجتماعی، برونی‌سازی بعدی و سوء مصرف مواد در دوره نوجوانی و جوانی (دابکین و همکاران، ۱۹۹۵)، و شروع اولیه مصرف الکل و مواد مخدر را پیش‌بینی می‌کند (بویل و همکاران، ۱۹۹۲).

دسته دوم پژوهش‌ها، نقش پرخاشگری را در مشارکت افراد در فعالیتهای ضد اجتماعی به عنوان مکانیسمی برای تخلیه هیجانات و احساسات پرخاشگرانه تأیید نمی‌کنند. در یکی از اولین آزمایش‌ها، هورنبرگر (۱۹۵۹) شرکت‌کنندگان، یک تذکر توهین آمیز از همدست دریافت کردند. سپس نیمی از شرکت‌کنندگان بمدت ۱۰ دقیقه بر روی میخی کوبیدند، فعالیتی که با روشهای تخلیه پرخاشگری شباهت دارد. نیم دیگر شرکت‌کنندگان هیچ فرصتی برای تخلیه انرژی‌شان نداشتند. سپس همه شرکت‌کنندگان فرصت یافتند تا از شخصی که به آنها توهین کرده بود انتقاد کنند. اگر فرضیه پالایش درست بود در این صورت می‌بایست عمل کوبیدن میخ، پرخاشگری بعدی، یعنی شرکت در رفتار ضد اجتماعی را کاهش دهد. نتایج نشان داد که افرادی که با چکش به میخ کوبیده بودند، نسبت به همدست، متخاصم‌تر بودند. در مطالعه‌ای دیگر، گین و کوآنتی (۱۹۷۷) بعد از بازبینی داده‌های مرتبط، به این نتیجه دست یافتند که مشارکت در فعالیتهای ضد اجتماعی نمی‌تواند به عنوان مکانیسمی برای کاهش پرخاشگری عمل کند.

پژوهشهای جدیدتر نیز یافته‌های مشابهی را نشان می‌دهند (بوشمن، بامیستر و استاک، ۱۹۹۹). تاوریس (۱۹۸۸) در مطالعه‌اش این عقیده را که مشارکت در رفتارهای پر خاشگرانه و ضد اجتماعی باعث تخلیه پر خاشگری و خشم می‌شود و افراد بدلیل پر خاشگری دست به فعالیت‌های ضد اجتماعی می‌زنند را نیافت. وارن و کورلیچک (۱۹۸۱) نیز به این نتیجه رسیدند که نتایج مطالعه‌شان با فرضیه پالایش همخوانی ندارد.

نظریه تناقضات در یافته‌های تجربی درباره رابطه مشارکت در رفتارهای ضد اجتماعی و نیاز به تخلیه پر خاشگری در راستای نظریه پالایش، مطالعه حاضر بر آنست که به این سؤال پاسخ دهد که «آیا نظریه پالایش می‌تواند مشارکت افراد را در رفتارهای ضد اجتماعی پیش بینی نماید؟» فرض اساسی این تحقیق در چارچوب نظریه پالایش پر خاشگری اینست که اگر بین تخلیه پر خاشگری و رفتار ضد اجتماعی رابطه وجود داشته باشد در این صورت میانگین نمره افراد با رفتارهای ضد اجتماعی بر روی مقیاس پر خاشگری می‌بایست بالاتر از افراد با رفتارهای موافق اجتماعی (افراد عادی) باشد.

● روش

○ تحقیق حاضر در قالب طرح پس رویدادی و بر روی ۷۰ نفر از نوجوانان در شهر یزد انجام گرفت. ۳۵ نفر از نوجوانان را افراد با رفتارهای ضد اجتماعی تشکیل می‌دادند که به دلیل جرائمی همانند سرقت، نزاع، مصرف مواد مخدر، اخاذی، ورود به عتف و غیره وارد زندان و کانون اصلاح و تربیت شده بودند. بدلیل محدود بودن جامعه آماری، این گروه از نوجوانان (۳۵ نفر)، تمام شماری شدند. به منظور مقایسه این گروه با افراد عادی (نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی)، با رعایت شروط همگن سازی و هم‌تاسازی، ۳۵ نفر نیز با استفاده از روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند. همه پاسخگویان این مطالعه را مردان تشکیل می‌دادند. ابزار جمع آوری داده‌ها، مقیاس معیار شده پر خاشگری باس و پری^۱ (BPAS) (۱۹۹۲) بود. مقدار اعتبار کلی ابزار اندازه گیری با استفاده از روش آلفای کرونباخ، $\alpha = 0.73/0.72$ محاسبه گردید.

● ابزارها

۱. مشخصه‌های اجتماعی - جمعیت شناختی: این مشخصه‌ها، شامل متغیرهای سن، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، سابقه رفتار ضد اجتماعی در خانواده، محل اقامت و قومیت می‌شد که با استفاده از یک چک لیست عمومی سنجیده شد. برای تعیین جایگاه اجتماعی - اقتصادی

بیماران، از روش ترکیبی و شاخص های تحصیلات، درآمد، شغل، منطقه مسکونی و نوع مسکن (هالینگشید، ۱۹۷۱؛ دانکن و همکاران، ۱۹۶۱؛ وارنر، میکرو و ایلز، ۱۹۴۹) استفاده شد. براین اساس، ضمن ارائه پنج شاخص مذکور به ۳۰ داور، وزن ۱ الی ۵ به آنها داده شد. سپس میانگین وزنی هر عامل بترتیب زیر مشخص گردید: تحصیلات: ۴/۳، درآمد: ۴، شغل: ۳/۹، منطقه سکونت: ۲/۲ و نوع مسکن: ۱/۹. در مرحله بعد از مجموع نمرات جزئی فرد، رتبه کل فرد بدست آمد. دامنه شاخص پنج عامل مذکور، ۱۰ تا ۸۷/۸ بود. در نهایت با استفاده از روش محاسبه دامنه تغییرات، سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین مشخص گردید.

۲. پرخاشگری: برای سنجش پرخاشگری، از «مقیاس معیار شده پرخاشگری باس و پری» (BPAS) استفاده شد. سازندگان این مقیاس، ضریب همسانی درونی مواد این مقیاس را ۰/۸۹ محاسبه کردند که در دامنه قابل قبولی قرار داشت. این مقیاس توسط نگارنده به فارسی برگردانده شد. ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) این مقیاس برابر با ۷۳/۳۲ محاسبه شد. به منظور تعیین ساختار عاملی و اعتبار درونی مؤلفه های مقیاس پرخاشگری، پس از استخراج پاسخها و انجام تحلیل مؤلفه های اصلی (PCA) باروش چرخش واریماکس بر روی ۲۹ ماده و انجام یک مرحله آنالیز مؤلفه های اصلی، ۴ عامل مشخص گردیدند (جدول ۱). این عوامل و خرده مقیاسها عبارتند از: «پرخاشگری فیزیکی» ($\alpha = 0.70$)، «خصوصیت» ($\alpha = 0.71$)، «خشم» ($\alpha = 0.75$) و «پرخاشگری کلامی» ($\alpha = 0.72$). همه مواد مقیاس پرخاشگری باس و پری بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت (خیلی موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف و خیلی مخالف) درجه بندی شدند. همچنین، نتایج با استفاده از روش چرخش واریماکس نشان می دهد که عوامل پرخاشگری فیزیکی، بالاترین درصد (۱۴/۲)، و پرخاشگری کلامی، پایین ترین درصد (۸/۴) درصد از واریانس پرخاشگری را تبیین نمودند. از سوی دیگر، مؤلفه های خصوصیت، ۹ درصد و خشم، ۸/۶ درصد از واریانس سازه پرخاشگری را تبیین نمودند.

جدول ۱. ابعاد مقیاس پرخاشگری همراه با مقدار واریانس تبیین شده و مقدار آلفای هر بعد

مقیاس	شاخصها	عوامل	تعداد مواد	میانگین	انحراف معیار	درصد واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
مقیاس پرخاشگری باس و پری (BPAS)	پرخاشگری فیزیکی	۷	۲/۸	۰/۷۵۸	۱۴/۲	۰/۷۰	
	خصوصیت	۹	۳/۱۴	۰/۷۱۱	۹/۰۰	۰/۷۱	
	خشم	۶	۲/۸۴	۰/۵۲۸	۸/۶	۰/۷۵	
	پرخاشگری کلامی	۷	۳/۱۱	۰/۴۹۵	۸/۴	۰/۷۲	

● روش های آماری

داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. ابتدا به منظور تعیین «اعتبار درونی» و اعتبار ساختار عاملی مقیاس پرخاشگری و هنجاریابی این مقیاس، از روش تحلیل مؤلفه های اصلی (PCA) استفاده شد. از آزمون t تک نمونه ای برای مقایسه میانگین نمره دو گروه افراد با رفتارهای ضداجتماعی و افراد با رفتارهای موافق اجتماعی از نظر پرخاشگری استفاده شد. از رگرسیون لجستیک چندگانه، برای تعیین سهم متغیرهای وارد شده در الگو در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه و پیش بینی عضویت گروهی استفاده گردید.

● یافته ها

○ ویژگی های اجتماعی - جمعیت شناختی نمونه

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که ۱۴/۳ درصد از افراد با رفتارهای ضداجتماعی بیسواد بوده اند در حالی که این میزان برای افراد با رفتارهای موافق اجتماعی صفر بوده است. اکثر افراد با رفتار ضداجتماعی از نظر طبقاتی در طبقه اجتماعی پایین (۶/۶۸ درصد در مقایسه با ۱۴/۳ درصد برای گروه با رفتار موافق اجتماعی) قرار داشتند. از نظر قومیت، نسبت افراد با رفتار ضداجتماعی با قومیت های غیر فارس (کرد، لر، ترک، عرب، بلوچ) بیشتر از گروه دوم بود (۵۷/۱ در مقابل ۱۱/۴ درصد). ۴۳/۳ درصد از پاسخگویان با رفتار ضداجتماعی روستایی بودند در حالیکه این رقم برای گروه با رفتار موافق اجتماعی صفر درصد بود. همچنین ۶۲/۹ درصد از افراد با رفتار ضداجتماعی اعلام کردند که حداقل یکی از اعضای خانواده شان سابقه رفتارهای ضداجتماعی داشت در حالیکه این رقم برای گروه با رفتار موافق اجتماعی ۲۰ درصد بود. میانگین سنی پاسخگویان، ۱۶/۴ سال با انحراف معیار ۱/۰۶ بود.

○ مقایسه افراد با رفتارهای ضداجتماعی و افراد با رفتار موافق اجتماعی با توجه به پرخاشگری با استفاده از آزمون t تک نمونه ای، دو گروه افراد با رفتار ضداجتماعی و موافق اجتماعی مورد مقایسه قرار گرفتند (جدول ۳). از آنجا که افراد با رفتارهای ضداجتماعی تمام شماری شده بودند از این آماره برای آزمون فرضیه آماری $H_1: X \neq \mu$ استفاده شد. تفاوت معناداری بین میانگین نمره دو گروه از نظر پرخاشگری بطور کلی ($p < 0.01$) مشاهده شد.

جدول ۲. ویژگیهای اجتماعی - جمعیت شناختی پاسخگویان

میزان تحصیلات	متغیر	نوجوانان با رفتار ضد اجتماعی		نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بی‌مواد		۵		۱۴/۳	۰
ابتدایی		۹		۲۵/۷	۰
راهنمائی		۱۵		۴۲/۹	۵/۷
متوسطه		۶		۱۷/۱	۳۳
طبقه اجتماعی					
بالا		۰		۰	۸
متوسط		۶۱		۳۱/۴	۲۲
پایین		۳۴		۶۸/۶	۵
قومیت					
فارس		۱۵		۴۲/۹	۳۱
سایر		۲۰		۵۷/۱	۴
محل اقامت					
شهر		۲۳		۶۵/۷	۳۵
روستا		۶۲		۳۴/۳	۰
سابقه رفتار ضد اجتماعی والدین					
بله		۲۲		۶۲/۹	۷
خیر		۱۳		۳۷/۱	۲۸

میانگین سنی: ۱۶/۴ سال (SD=۱/۰۶)

دو گروه تفاوت معناداری نیز از نظر مؤلفه‌های خشم ($t_{(22)} = 4/154$, $p < 0/001$) و پر خاشگری کلامی ($t_{(22)} = 2/047$, $p < 0/05$) نشان دادند. هیچگونه تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر مؤلفه‌های پر خاشگری فیزیکی و خصومت مشاهده نشد.

جدول ۳. مقایسه پاسخگویان با رفتار ضد اجتماعی و رفتار موافق اجتماعی با توجه به پر خاشگری و مؤلفه‌های آن

متغیر	گروهها	نوجوانان با رفتار ضد اجتماعی N=۳۵		نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی N=۳۵		سطح معناداری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
پر خاشگری فیزیکی		۲/۹۳	۰/۸۸	۲/۸۴	۰/۶۱	N.S.
خصومت		۳/۱۲	۰/۸۰	۳/۱۶	۰/۶۱	N.S.
خشم		۲/۶۳	۰/۴۴	۳/۰۴	۰/۵۷	$p < 0/001$
پر خاشگری کلامی		۳/۰۲	۰/۴۲	۳/۲۱	۰/۵۴	$p < 0/001$
مجموع		۲/۹	۰/۴۳	۳/۱	۰/۴۰	$p < 0/001$

$p < 0/05$ $p < 0/01$ $p < 0/001$

○ تحلیل چندگانه

به منظور پیش بینی متغیر ملاک مشارکت در رفتارهای ضد اجتماعی و رفتارهای موافق اجتماعی، تحلیل رگرسیون لجستیک در دو مرحله (متغیرهای کنترل و اجتماعی - جمعیت شناختی در مرحله اول، و مؤلفه های متغیر پیش بین پرخاشگری در مرحله دوم) انجام شد. نتایج (جدول ۴) نشان می دهد که مجموع متغیرهای کنترل وارد شده در مرحله اول توانستند با مقدار $(Nag.R^2 = 0.704; p < 0.001; \chi^2 = 52.59)$ ۷۰/۴ درصد از واریانس متغیر ملاک (مشارکت در فعالیتهای ضد اجتماعی و فعالیتهای موافق اجتماعی) را تبیین کنند. از میان این متغیرها تنها میزان تحصیلات با مقدار: $(B = 0.982; p < 0.001)$ توانست متغیر ملاک را پیش بینی نماید. به بیان دیگر، این متغیر، تأثیر نیرومند بر احتمال اینکه افراد به رفتارهای موافق و مخالف اجتماعی روی بیاورند یا نه، داشتند. اما اثر متغیرهای: سن، $(B = -0.222; p < 0.05)$ ، و سابقه پرخاشگری در خانواده $(B = 0.909; p > 0.05)$ قابل چشم پوشی بود. در مرحله دوم و با ورود متغیر پیش بین

جدول ۴- الگوی رگرسیون لجستیک برای پیش بینی رفتار ضد اجتماعی

الگوی دوم				الگوی اول				الگوها
سطح معناداری	آزمون والد	خطای معیار	ضرایب متغیرهای (B)	سطح معناداری	آزمون والد	خطای معیار	ضرایب متغیرهای (B)	شاخصها
متغیرهای کنترل								
سن								
N.S.	۱/۳۷	۰/۳۹۱	-۰/۲۵۹	N.S.	۰/۳۷۵	۰/۳۶۱	-۰/۲۲۲	میزان تحصیلات (به سال)
۰/۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۴/۶۵	۰/۲۶۲	۱/۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۹/۱۲	۰/۲۲۵	۰/۹۸۲	سابقه رفتار ضد اجتماعی در خانواده
N.S.	۱/۲۸	۱/۱	۱/۲۳	N.S.	۱/۱۲	۰/۸۵۷	۰/۹۰۹	
پرخاشگری								
N.S.	۲/۴۳	۰/۷۵۲	-۱/۱۷					پرخاشگری فیزیکی
N.S.	۰/۰۳۰	۰/۶۸۹	۰/۱۱۹					خصومت
۰/۰۰۰۰۰	۳/۸۰	۱/۱۲	۲/۵۸					خشم
N.S.	۱/۱۶۶	۱/۱۱	۰/۲۵۲					پرخاشگری کلامی
			۳۷/۴۸				۴۴/۴۴	-2 Log Likelihood
			۰/۷۶۲				۰/۷۰۴	Nagelkerke
								R ²
			۵۹/۵۵;p=۰/۰۰۰۰۰۰۰۰				۵۲/۵۹;p=۰/۰۰۰۰۰۰۰۰	χ^2
			۹۰/۰				۸۸/۶	درصد پیش بینی صحیح
			۷۰				۷۰	فراوانی

ap < 0.05; ap < 0.01; ap < 0.001

اصلی، یعنی مؤلفه‌های پرخاشگری، این مؤلفه‌ها با مقدار $\chi^2 = 59/55$ تنها توانستند ۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را بهبود ببخشند. در کل، الگوی رگرسیون لجستیک در مرحله اول و با متغیرهای کنترل توانسته است ۸۸/۶ درصد، و در مرحله دوم و با اضافه شدن مؤلفه‌های سازه پرخاشگری به مدل، ۹۰/۰ درصد از آزمودنی‌ها را به درستی طبقه بندی نماید.

● بحث و نتیجه گیری

○ مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اعتبار و توانایی «نظریه پالایش پرخاشگری» در تبیین علل مشارکت نوجوانان در رفتارها و فعالیتهای ضد اجتماعی صورت گرفت. این نظریه، نیاز به تخلیه پرخاشگری و انرژی متراکم شده ناشی از احساسات پرخاشگرانه را دلیل عمده رفتارهای ضد اجتماعی می‌داند و مشارکت در رفتار ضد اجتماعی را مکانیسمی برای تخلیه هیجانی و انرژی تلقی می‌کند. بر این اساس، فرض اساسی این مطالعه در راستای نظریه پالایش این بود که اگر نیاز به تخلیه پرخاشگری، علت مشارکت نوجوانان در فعالیتهای ضد اجتماعی باشد پس نمره نوجوانان با رفتارهای ضد اجتماعی بر روی مقیاس پرخاشگری باید بالاتر از نوجوانان با رفتارهای موافق اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، افراد با رفتار ضد اجتماعی باید پرخاشگرتر از افراد با رفتار موافق اجتماعی باشد. اما نتایج این مطالعه مغایر با فرضیه پالایش بوده است.

○ نتایج مطالعه حاضر تفاوت معناداری را بین نوجوانان با رفتارهای ضد اجتماعی و نوجوانان عادی از نظر میزان پرخاشگری به طور کلی و نیز مؤلفه‌های خشم و پرخاشگری کلامی از سازه پرخاشگری نشان داد. لیکن برخلاف فرضیه پالایش، میانگین نمره نوجوانان عادی بر روی مقیاس پرخاشگری و نیز مؤلفه‌های خشم و پرخاشگری کلامی بالاتر از نوجوانان با رفتار ضد اجتماعی بوده است. در حالی که نوجوانان عادی میانگین نمره ۳/۱ را بر روی مقیاس کلی پرخاشگری کسب کردند، این رقم برای نوجوانان با رفتار ضد اجتماعی ۲/۹ بوده است. میانگین نمره نوجوانان عادی بر روی خرده مقیاسهای خشم و پرخاشگری کلامی نیز از نوجوانان با رفتار ضد اجتماعی بالاتر بوده است. در حالی که میانگین نمره افراد عادی بر روی خرده مقیاسهای خشم و پرخاشگری کلامی به ترتیب ۳/۰۴ و ۳/۲۱ بود این ارقام برای افراد با رفتار ضد اجتماعی به ترتیب ۲/۶۳ و ۳/۰۲ بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که ورود مؤلفه‌های پرخاشگری در الگوی دو مرحله‌ای رگرسیون لجستیک، بهبود اندکی در تبیین

واریانس متغیر مشارکت در فعالیتهای ضداجتماعی و یا فعالیتهای موافق اجتماعی و نیز در طبقه‌بندی آزمودنیها ایجاد نمود. این نتیجه، یافته‌های محققانی نظیر هارینگتون و همکاران (۱۹۹۱)، مک کورد (۱۹۹۱) و رابین و همکاران (۱۹۹۵) که معتقد به وجود رابطه بین پرخاشگری و ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی بودند را نقض می‌کند. همچنین نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های محققانی که دریافته بودند پرخاشگری متغیری نیرومند در پیش‌بینی رفتارهای ضداجتماعی است هماهنگ نیست. محققانی نظیر کهلرگ و همکاران (۱۹۸۴) لابر و دیشن (۱۹۸۳)؛ راف و ویرت (۱۹۸۴)؛ فارینگتون (۱۹۹۱)؛ میلر-جانسون و همکاران (۱۹۹۹)؛ دابکین و همکاران (۱۹۹۵) و بویل و همکاران (۱۹۹۲) در مطالعات خود نشان داده بودند که پرخاشگری در دورهٔ طفولیت و نوجوانی، مشارکت بعدی افراد را در فعالیتهای ضداجتماعی پیش‌بینی می‌کند.

○ از سوی دیگر، نتایج مطالعه حاضر، با یافته‌های مطالعات آزمایشگاهی همخوانی دارد. نتایج این مطالعه یافته اولین مطالعه آزمایشی که توسط هورنبرگر (۱۹۵۹)، انجام شده بود را تأیید می‌کند. وی در آزمایش خود دریافته بود که شرکت در فعالیتهای ضداجتماعی نمی‌تواند پرخاشگری بعدی را کاهش دهد. این بدین معناست که ارتکاب رفتار ضداجتماعی نمی‌تواند ناشی از انگیزه افراد برای تخلیه پرخاشگری و انرژی باشد. یافته‌های این تحقیق همچنین نتایج مطالعات گین و کوآنتی (۱۹۷۷)؛ بوشمن و همکاران (۱۹۹۹)؛ تاوریس (۱۹۸۸)؛ و وارن و کورابچک (۱۹۸۱) را تأیید می‌کند. این محققان در مطالعات خود هیچ شواهدی درباره رابطه مشارکت در فعالیتهای ضداجتماعی و تخلیه پرخاشگری و انرژی نیافته بودند.

○ اگر چه ارزیابی دقیق نظریه پالایش در تبیین و پیش‌بینی رفتار ضداجتماعی نیازمند مطالعات بیشتر و و با نمونه‌های گسترده‌تر است، اما نتایج پژوهش حاضر فرضیه‌های اساسی نظریه پالایش را دربارهٔ مشارکت نوجوانان در فعالیتهای ضداجتماعی به‌عنوان مکانیسمی برای تخلیه پرخاشگری و انرژی تأیید نکرده است. اگر فرضیه پالایش درست بود در این صورت می‌بایست نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی پرخاشگرتر از نوجوانان عادی باشند. در حالی که نتایج مطالعه حاضر، خلاف این فرضیه را نشان داد. یعنی نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی در کل پرخاشگرتر از نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی بودند. در این ارتباط باید با محققانی نظیر همانگونه که گین و کوآنتی (۱۹۷۷) هم آواز بود که معتقدند افراد به احتمال قوی براساس تجربه در می‌یابند که تخلیهٔ خشم، کاهش پرخاشگری را بدنبال ندارد و لذا ارتکاب رفتارهای

ضدا اجتماعی از سوی آنان نباید ارتباطی به پر خاشگری داشته باشد. از سوی دیگر، براساس یافته‌های محققان، تخلیه پر خاشگری می‌تواند تحریک روانشناختی راکاهش دهد اما افراد باید خشم و پر خاشگری خود را مستقیماً در مقابل عامل عصبانی‌کننده ابراز دارند و همچنین باید باور داشته باشند که عامل عصبانی‌کننده، دست به تلافی نخواهد زد. از نظر آنان، چنین شرایطی درباره رفتارهای ضدا اجتماعی که فرد عمل‌کننده تنبیهات ناشی از ارتکاب آنها را پیش‌بینی می‌کند و در اکثر موارد نمی‌تواند رفتار ضدا اجتماعی خود را مستقیماً متوجه عامل آزارنده نماید مصداق ندارد (بوشمن و همکاران، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، مطابق با یافته‌های محققانی نظیر گراس (۲۰۰۲)، مانسید و فیشر (۲۰۰۰) کاهش خشم و پر خاشگری ارتباط نزدیکی با تنظیم و مهار هیجانی دارد اما در این راه، افراد تلاش می‌کنند تا با استفاده از راهبردهای مختلف شناختی و رفتاری خشم و پر خاشگری خود را تحت مهار در آورند. این بدین معناست که تنها راه تخلیه پر خاشگری، ارتکاب رفتار ضدا اجتماعی نیست. همچنین عامل فرهنگ در اتخاذ راهبردهای مهار و یا بروز هیجانات و انرژی تعیین‌کننده است. همانگونه که بیانیه سویل درباره خشونت (۱۹۸۶) اعلام می‌دارد، پر خاشگری و شیوه‌های مهار و تخلیه آن به صورت ژنتیک برنامه ریزی نشده است بلکه تا حد زیادی تابع عوامل فرهنگی است. بنابراین می‌توان استدلال نمود که دست زدن به رفتار ضدا اجتماعی به مثابه یک راهبرد برای تخلیه پر خاشگری ممکن است در فرهنگ ما جایگاهی نداشته باشد.

○ اینکه چرا افراد عادی، براساس نتایج این مطالعه پر خاشگرتر از افراد با رفتارهای ضدا اجتماعی بودند، و پر خاشگری، نقشی در ارتکاب افراد به رفتارهای ضدا اجتماعی نداشت، احتمالاً باید به تبیین‌ها و نظریه‌های مختلف دیگر با تمرکز بر مفاهیم و متغیرهای دیگر روانشناختی نظیر تیپ شخصیتی، عزت نفس، جاذبه درونی، بوم پویایی (بامیستر و کمپبل، ۱۹۹۹) مراجعه کرد. افزون بر این، نقش متغیرهای جامعه شناختی نظیر «انتقال فرهنگی» (ساترلند، ۱۹۷۷)، «فشارهای ساختاری» (مرتون، ۱۹۶۸)، «نارسایی در مهار اجتماعی» (هیرسچی، ۱۹۶۹)، ارتکاب انحرافات اولیه و سپس انحراف ثانویه و پذیرش برجسب منحرف (لمرت، ۱۹۶۷؛ بکر، ۱۹۶۳) را نیز نباید نادیده گرفت.

□ از معاونت پژوهشی اداره کل زندان‌های استان یزد که در امر جمع‌آوری داده‌های این تحقیق به محقق یاری رساندند سپاسگزاری می‌شود.

یادداشت‌ها

- 1- oppositional defiant disorder(ODC)
- 2- conduct disorder(CD)
- 3- disruptive behaviour disorder(OBD)
- 4- hysteria
- 5- hydraulic model of anger
- 6- Buss Perry Aggression Scale (BPAS)
- 7- Seville Statement of Violence

منابع

- American Psychiatric Association, (1994). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fourth edition*. American Psychiatric Association, Washington, DC.
- Bandura, A. (1973). *Aggression: A Social learning analysis*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Baron, R. A.; & Richardson, D. R. (1994). *Human aggression* (2nd ed). New York: Plenum Press.
- Baumeister, R.; & Campbell, W. (1999). The intrinsic appeal of evil: Sadism, sensational thrills, and threatened egotism. *Journal of Personality & Social Psychology Review* 3, 210-221.
- Becker, H. S. (1963). *Outsiders: Studies in the sociology of deviance*. New York: Free Press.
- Boyle, M.; Offord, D.; Racine, Y., Szatmari, P.; Fleming, J., & Links, P. (1992). Predicting substance abuse in late adolescence: Results from the Ontario Child Health Study follow-up. *American Journal of Psychiatry*, 149, 761-767.
- Bushman, B. J. (2002) Does venting anger feed or extinguish the flame? Catharsis, rumination, distraction, anger, and aggressive responding. *Journal of Personality & Social Psychology Bulletin*, 28(6), 724-731.
- Bushman, B. J.; Baumeister, R. F.; & Stack, A. D. (1999). Catharsis, aggression, and persuasive influence: Self-fulfilling or self-defeating prophecies?. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, (3) 367-376.
- Buss, A. H.; & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality Social Psychology*, 63, 452-459.
- Deptula, D. P.; & Cohen, R. (2004). Aggressive, rejected, and delinquent children and adolescents: A comparison of their friendships. *Journal of Aggression and Violent Behavior*, 9, 75-104.
- Dill, K. E.; & Dill, J. C. (1998). Video game violence: A review of the empirical literature. *Journal of Aggression and Violent Behavior*, 3 (4), 404-428.
- Dobkin, P. L.; Tremblay, R. E.; Masse, L. C.; & Vitaro, F. (1995). Individual and peer characteristics in predicting boys' early onset of substance abuse: A seven-year longitudinal study. *Journal of Child Development*, 66, 1198-1214.

- Dollard, J.; Miller, N.; Doob, L.; Mowrer, O.; & Sears, R. (1939). *Frustration and aggression*. New Haven: Yale Univ. Press.
- Duncan, O. D.; Reiss, A. J.; Holt, P. K.; & Noth, C. C. (1961). *Occupation social status*. Glencoe, IL: Free Press.
- Farrington, D. P.; Loeber, R.; Elliott, D. S.; Hawkins, D.; Kandel, D. B.; Klein, M. W.; McCord, J.; Rowe, D. C.; & Tremblay, R. E. (1990). Advancing knowledge about the onset of delinquency and crime. In B. B. Lahey, & A. E. Kazdin (Eds.), *Advances in clinical child psychology*, 13, 283-342. New York: Plenum.
- Geen, R. G.; & Quanty, M. B. (1977). The catharsis of aggression: An evaluation of a hypothesis. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, 10, 1-37. New York: Academic Press.
- Gross, J. J. (2002). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. *Journal of Psychophysiology*, 39, 281-291.
- Harrington, R.; Fudge, H.; Rutter, M.; Pickles, A.; & Hill, J. (1991). Adult outcome of childhood and adolescent depression: I. Links with antisocial disorder. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 30, 434-439.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley, Calif. University of California Press.
- Hollingshead, A. B. (1971). Commentary on the indiscriminate state of social class measurement. *Journal of Social Forces*, 49, 563-67.
- Hornberger, R. H. (1959). The differential reduction of aggressive responses as a function of interpolated activities. *Journal of American Psychologist*, 14, 354.
- Kohlberg, L.; Ricks, D.; & Snarey, J. (1984). Childhood development as a predictor of adaptation in adulthood. *Genetic Psychology Monographs*, 110, 91-172.
- Kupersmidt, J. B.; & Patterson, C. J. (1991). Childhood peer rejection, aggression, withdrawal, and perceived competence as predictors of self-reported behavior problems in preadolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 19, 427-449.
- Lemert, E. M. (1967). *Human deviance, social problems, and social control*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- Loeber, R.; & Dishion, T. (1983). Early predictors of male delinquency: A review. *Journal of Psychological Bulletin*, 94, 68-99.
- Lorenz, K. (1966). *On aggression*. NY: Harcourt Brace Jovanovich.
- Manstead, A.; & Fischer, A. H. (2000). Emotion regulation in full. *Journal of Psychological Inquiry*,

- 11, 188-191.
- Maxwell, J. P. (2004). Anger rumination: An antecedent of athlete aggression?. *Journal of Psychology of Sport Exercise*, 5, 279-289.
- McCord, J. (1991). Questioning the value of punishment. *Journal of Social Problems*, 38(2), 167-179.
- Merton, R. K. (1968). *Social theory and social structure*. 2nd ed. New York: Free Press.
- Miller-Johnson, S.; Coie, J. D.; Maumary-Gremaud, A.; Lockman, J.; & Terry, R. (1999). Relationship between childhood peer rejection and aggression and adolescent delinquency severity and type among African American youth. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 7, 137-146.
- Plomin, R.; Nit K.; & Rowe, D. C. (1990). Behavioral genetics and aggressive behavior in childhood. In: Lewis, M.; & Miller, S. M. (Eds.). *Handbook of developmental Psychopathology*. Plenum, New York, 119-133.
- Roff, J. D.; & Wirt, R. D. (1984). Childhood aggression and social adjustment as antecedents of delinquency. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 12, 111-126.
- Rubin, K. H.; Chen, X.; McDougall, P.; Bowker, A.; & McKinnon, J. (1995). The Waterloo Longitudinal Project: Predicting internalizing and externalizing problems in adolescence. *Journal of Development and Psychopathology*, 7, 751-764.
- Seville Statment on Violence (1986). <http://www.unesco.org/humanrights/hrfv.htm>
- Sutherland, N. S. (1977). *Breakdown*. Briarcliff Manor, NY: Stein & Day.
- Tavris, C. (1988). Beyond cartoon killings: Comments on two overlooked effects of television In S. Oskamp (Ed.), *Television as a social issue* (189-197) Newbury Park, CA: Sage.
- Warner, W. L.; Meeker, M.; & Eells, K. (1949). *Social class in American*: Chicago. Social Research Association.
- Warren, R.; & Kurlychek, R. T. (1981). Treatment of maladaptive anger and aggression: Catharsis vs behavior therapy. *Corrective and Social Psychiatry and Journal of Behavior Technology, Methods and Therapy*, 27, 135-139.
- Wegman, C. (1985). *Psychoanalysis and cognitive psychology*. Orlando, FL: Academic Press.
- West, D. J.; & Farrington, D. P. (1977). *The delinquent way of life: Third report of the Cambridge Study in delinquent development*. London: Heinemann Educational Books